

سی پک معمائی در کنار کنیسا

ضرورت ترقی هر جامعه ای بیداری و دوراندیشی حال و کسب تجربه از گذشته است. در این میان جوامعی موفق خواهند بود که قدم به قدم از تجربیات سینه به سینه گذشتگان نیز بهره مند گردند که می توان تورای شفاهی را نمونه ارزشمند، لزوم تجربه آموختن از نقل قول های شفاهی دانست چون یکی از امتیازات بشر تجربه آموختن از گذشته و منتقل نمودن آن ها به نسل آینده است.

یکی از خاطرات و نکات جالبی که از دوران کودکی مورد توجه نگارنده بوده، این است که در کنار اکثر کنیساها مدارس و کلاس هایی وجود داشته و دارد که علاوه بر تدریس، در تامین هزینه ها نیز با یکدیگر همکاری داشته اند به جز شهر کاشان که علاوه بر کلاس و یک مدرسه طی، صدها سال، در کنار هر کنیسایی (7 کنیسا) سی پک وجود داشت.

سی پک محل آب روانی است در عمق ده ها متری زمین، بدین طریق که سطح زمین را با محاسبه محل عبور قنات در قعر زمین پله پله، ده ها متر می کنند تا به نهر جاری قنات می رسیدند و فلسفه احداث آن در کنار کنیسا، در زمانی که هیچ خانه ای حمام نداشته، این بوده که به عنوان میقوه برای غسل، بعضی از افراد، بتوانند قبل از ورود به کنیسا از آن استفاده کنند. اما این آب جاری میقوه کجا، و در زمانی که همه خانه ها چندین حمام دارند، با میقوه های الوده امروز کجا؟

در زمان کودکی به خاطر دارم علاوه بر آب تنی، برای شستن لباس ها و غیره نیز از آب جاری سی پک استفاده می کردند. در اینجا چند سؤال پیش می آید، چگونه محل عبور آب قنات را در محل مورد نظر کنار کنیسا در ده ها متر زیر زمین تشخیص می دادند؟ آیا سی پک را قبل از احداث کنیسا می ساختند یا بعد از آن؟ و چگونه در شهر دارالمتصیین آن روز شهر کاشان از صدها سال قبل، یهودیان قادر بودند از چنین موهبتی برخوردار گردند؟ به خاطر دارم در کنار کنیسای خانوادگی گبای به نام کنیسای بسیار بسیار قدیمی نصری که می گفتند سنگ بنای پانصد ساله دارد نیز سی پکی وجود داشت که آب آن در تابستان خنک و در زمستان ملایم و قابل آشامیدن بود و شاید 80/70 پله خاکی در تاریکی مطلق پائین می رفت تا به آب برسد، افسوس که میقوه صدها سال قبل ایشان، صدها سال از میقوه های عمومی امروز بهداشتی تر و عقلانی تر بودند.

برای اطلاع جوان ها، در مورد قنات، دانشنامه آزاد می نویسد: « قنات یا کاریز یا کهریز به راهی که در زیر زمین کنده شده تا آب از آن جریان یابد می گویند، قنات کانالی است در عمق زمین برای ارتباط دادن رشته چاه هایی که از (مادر چاه - چاه اصلی) سرچشمه می گیرد به منظور هدایت آب به سطح زمین و مدیریت آب برای کشاورزان و سایرین، این کانال ممکن است تا رسیدن به سطح زمین هزارها متر به طول بیانجامد تا سرانجام آب این کاریز برای شرب کشت و کار، روی زمین می آید که به این محل مظهر یا دهنه کاریز یا سر قنات می گویند»

قنات ابتکار بسیار بسیار ارزشمند 6/5 هزارساله ایرانیان است که در اکثر کشورهای جهان نیز از آن بهره برداری می شود و در حال حاضر طبق آمار سی هزار قنات فعال در ایران کم آب، وجود دارد که قدیمی ترین آن ها قنات صدها ساله شهر گناباد، به نام قنات قصبه است که تاریخ احداث آن به دوره قبل از هخامنشیان (قرن ششم قبل از میلاد) می رسد و هفتاد کیلومتر طول دارد و به روایتی عمق بعضی از قنات های ایران تا چهار صد متر می رسد و هر چه شیب زمین کمتر باشد طول قنات بیشتر و هر چه شیب بیشتر باشد طول قنات کمتر خواهد بود. احداث قنات بسیار گران و اکثر قنات های ایران وقفی است، از جمله قنات حاجی علیرضا که از محله یهودیان تهران عبور می کرد به جرات می توان گفت قنات یکی از موجبات دوام زندگی در نقاط بی آب دنیا بوده. در ایران در سال های خشک سالی بعد از تنقیه و لایروبی قنات، اهالی دهات با ساز و دهل و لباس های رنگی زیبای محلی به گرد دهنه وسیع یکی از هزاران چاه قنات که لانه صدها کیبوتر بود (نام کیبوتر چاهی از لانه کردن کیبوترها در چاه های قنات رواج پیدا کرده) جمع می شدند و دختری زیبا را با رقص و پایکوبی به عقد چاه در می آوردند تا فعالیت چاه بیشتر! گردد.

و جالب ترین قنات دنیا قنات بی نظیر دو طبقه مون در اردستان است که هشتصد سال قدمت فعالیت دارد. درباره سی پک داستان های بسیاری می گفتند از جمله این که نیمه شبی چند جوان در کنار بزرگترین سی پک کاشان به نام سی پک خونی ها، قرار می گذارند هر کدام نیمه شب در تاریکی مطلق به قعر سی پک بروند و برگردد جایزه بگیرد. (لابد یک لیوان آب هندوانه با گلاب!؟) جوانی قوی هیگل شجاع! داوطلب می شود و از او می خواهند

برای اثبات حضور او در انتهای پله ها، میخ طویله ای را لب آب بکوبید تا روز بعد آن را به بینند و جایزه را به او بدهند.

جوان در حضور دوستان در تاریکی مطلق از پله ها سرازیر می شود و به لب نهر آب می رسد و طبق قرار میخ را محکم به زمین می کوبد و قهرمانانه قصد مراجعت و دریافت جایزه داشته که متوجه می شود در تاریکی کسی دامن لباس او را گرفته و از حرکت او جلوگیری می کند.

با توجه به اذهان خرافاتی مردمان آن زمان و حضور اجنه و ارواح در تاریکی، وحشت زده فریاد می کند جنی ول کن، ول نمی کند در حال التماس و تشنج به گونه ای ترس بر او غلبه می کند که دچار سکت می گردد و همانجا فوت می کند. آری ترس ذهنی او از جن، به واقعیت تبدیل و پذیرش واهی او به حضور جن، بر عقل او غلبه و به جای یافتن علت، قالب تهی می کند. دوستانش بعد از نگرانی از تاخیر، جنازه او را در لب آب می یابند. در حالی که میخ طویله را روی دامن لباس خود کوبیده بود!

دوستان: توجه کنید عقیده داشتن به مهملاتی هر چند بی ارزش مانند جن و پری و چشم بد و معجزه و غیره چگونه می تواند در مواقع غیر قابل پیش بینی، موجب مشکلات برای اذهان آلوده گردد، جن و پری و ارواح و چشم بد برای زمانی قابل انکار نبود که مادری می دید فرزندش در اثر بیماری دیفتری، دارد می میرد و می گفت بعد از آمدن زن همسایه بچه ام چشم زخم خورد و مریض شد در حالی که زن همسایه ندانسته ناقل میکرب از خانه همسایه بوده نه چشم خوب یا بد، آن ها را که از میکرب اطلاعی نداشتند نمی توان منع کرد امروز چرا؟ چون ذهن باورمندان در زمان منجمد شده است؟ ارثیه های تنگین را از خانواده خود دور کنیم تا همگانی گردد. سهراب سپهری می گوید:

زندگی فهم نفهمیدن هاست

زندگی خاطره آمدن و رفتن ماست

در نیندیم به نور، در نیندیم به شعور، بدبختی تهیدستی نیست، ندانستن است.

هرگز دیر نیست که مسیر غلط را تغییر داد.

چشم ها را بشوئیم و دنیا را همانگونه که امروز هست بنگریم.